عکس: عباس کولری

گذری کوتاه بر شیوه نوازندگی پرویز مشکاتیان

مرثیه‌یی فنی برای یک سنتورنواز

آرویس صداقت کیش

در سپیده‌دم قون حاضر، پس از دوره فاجار، آن هنگام که سنتورنوازان بزرگ سر بر بالین نهادند، پیر آن بود که صدای شیشه گون سنتور برای مدتی مدید خاموش شود. اما چنین نشد، بلکه در سه پرده زمانی سنتور بر تبارک سازهای موسیقی ایرانی درخشیدن گرفت. شگفت آنکه هر سه بار سنتورنوازی شیرین و کوشش طاقت فرسای وی برای بنیاد نهادن روشی آموزشی پر کرده بود. سوم بار را اجرایی در چهارگاه نوید داد، هنوز جواز حافظ و منزار سعدی مسوسقیایان را به خود تاقب ارضا ورزنده؟ - که پس زود سنتور را تنها گذاشت- که چشم بپوشیم سال‌های نیمه دهه ۲۰ تا نیمه دهه ۵۰ را سنتورنوازی شیرین و کوشش طاقت فرسای وی برای بنیاد نهادن روشی آموزشی پر کرده بود. سوم بار را اجرایی در چهارگاه نوید داد، هنوز جواز حافظ و منزار سعدی مسوسقیایان را به خود تاقب ارضا ورزنده؟ - که پس زود سنتور را تنها گذاشت- که چشم بپوشیم سال‌های نیمه دهه ۲۰ تا نیمه دهه ۵۰ را سنتورنوازی شیرین و کوشش طاقت فرسای وی برای بنیاد نهادن روشی آموزشی پر کرده بود. سوم بار را اجرایی در چهارگاه نوید داد، هنوز جواز حافظ و منزار سعدی مسوسقیایان را به خود تاقب ارضا ورزنده؟ - که پس زود سنتور را تنها گذاشت- که

در جواز حافظ و سعدی و عطار. با پشکناری تمام، نواخت، ساخت و گنجینه‌یی از قطعات برای سنتور به یادگار نهاد. اینچنین ذکر بار ۱۰ ، ۱۵ سالی از میانه قرن به سنتور گذشت و عجب آنکه او زمانی در اوج بود و سازش بر دل می‌نشست که تمام گوش ها را شمیم نوای ویولن آکنده بود. از آن شهاب ثاقب ارضا ورزنده؟ - که پس زود سنتور را تنها گذاشت- که چشم بپوشیم سال‌های نیمه دهه ۲۰ تا نیمه دهه ۵۰ را سنتورنوازی شیرین و کوشش طاقت فرسای وی برای بنیاد نهادن روشی آموزشی پر کرده بود. سوم بار را اجرایی در چهارگاه نوید داد، هنوز جواز حافظ و منزار سعدی مسوسقیایان را به خود تاقب ارضا ورزنده؟ - که پس زود سنتور را تنها گذاشت- که

ذکرشان رفت، هر یکی شیوه‌یی جداگانه از خود بر جا گذاشتند چنان که اندک رنگ و بویی از آن، نام‌شان را در مخیله شنونده زنده می‌کرد. شیوش صدای ساز هر یک بگانه و عجب آنکه او زمانی در اوج بود و سازش بر دل می‌نشست که تمام گوش ها را شمیم نوای ویولن آکنده بود. از آن شهاب ثاقب ارضا ورزنده؟ - که پس زود سنتور را تنها گذاشت- که

خوش را به عنوان تنها عناصر تامین کننده تداوم در جملات موسیقی از دست داده‌اند، اگر نه به کلی از افتاده، حداقل با ماندگاری طبیعی صدای سنتور هم‌طراز شده‌اند. اینها علاوه بر توانایی‌های پیشین نیازمند اعلام برابری دو دست است؟ اعلام‌یی که پیش از او نیز مراحلی را پشت سر گذاشته و پایور به تعادل رسیده و اولین تجربه‌های جدایی نام و تمام دو دست را در؟ فریبا؟ از سر گذرانده بود، اما همچنان دست چپ آن دیگری بود و دست راست اصلی. اما با وی واپسین مراحل تکاملی که در آینده هنوز در راه باید، از سنتورنوازی ما را می‌ساخت به بار نشست. تنها راه هم‌نشینی این مضراب‌ها پیاپی راست و چپ‌هایی نبود که انگار دانه‌های تسبیح به بند کشیده بودند؛ دانه‌های تسبیح دو رنگ بافته بود از میان مهره‌های چپ‌رنگ و راست‌رنگ، می‌شد به توالی ترکیب‌هایی برگزید و به بستگی نامرئی در کنار هم استوار کرد. بافتی پرمضراب و چندان که ایجاب کند، حاضر و آماده پری‌بافت از طریق افزودن تزیینات است. و این تزیینات کم و بیش همان‌هایند که گونه‌یی از آنان در آن دو مضراب چپ پرچنجال تنیده شده است.

پس آمدن چپ و راست، بی شک توان وی را در پیاده کردن ریتم‌ها و الگوهای ضربی متفاوت‌تری می‌افزاید. توان را فزون می‌سازد اما این قدرت چون هر قدرتی باید مهار شود. وقتی با کشش‌های مطول کار می‌کنید و ضرباهنگ موسیقی را زیر آن کف‌ریزها می‌سازید، حساسیت‌ها کمتر است، دقت بر تک ضربه‌یی هم نیست. نه اینکه تک ضربه‌یی اهمیت باشد، نه! اما چون به دور هر گام ریتم، گوشتی تنیده شده از گستره زمان که با ضربات پر شده است، اگر کمی از این گوشت نیز سایده شود، به استخوان نخواهد رسید و ریتم سلیس خواهد ماند. اما در آن سیاق کار مشکاتیان، این گوشت‌ها تا جای ممکن تراشیده شده و مراکز ریتم، بی‌دفاع در گرو هر تک ضربه‌یی قرار گرفته‌اند. چپ از پی راست و راست از پی چپ، حال دیگر حجمی برای ساییدن نمانده است، خطایی میسر نیست. بی‌درنگ هر زخمی بر آن توده استخوانی ریتم آن را هیبتی دگرگونه می‌بخشد. چه عجب که هیئت استخوانی ریتم از راه همین توان به هم آمیختن الگوهای مضرابی و در پس مضراب نشانی‌های متعدد چون توده‌یی از گل رس ورز آمده در دستان کوزه‌گر او روان و به‌زمان است. چنان که گاه در میانه شعرها، آنگاه راه به بازی می‌گرداند و خمی ظاهر می‌شود. در یک گوش‌پلک هیئت استخوانی ریتم رخ دگر نموده و هیبتی دیگر یافته، البته و صدالبته باز هم استخوانی و صلب. توان چیدن مضراب در پی مضراب، او را نیروی آبگون کردن ماده جامد بخشیده است.

تکنیک‌ها را به حد ممکن در تعادل در کار می‌نشاند. چیزی نیست که به حد افراط به کار گرفته باشد یا در حد تفریط از آن دوری کند. واژه‌نامه تکنیکی سازش را خوب می‌شناسد و در افزیدن شعر از آن بهره می‌جوید. جز آن دراپ‌های برشی که مشخصه دوره‌یی از کارهای اویند (گمان می‌رود برای افزودن به طول عمر واژه‌هایش به کار می‌برد، واژه‌ها را به طمانینه و تاملی شایسته بر زبان مضراب جاری می‌سازد، هر واژه به درواژه‌یی از واژه پیشین پاسخ داده است. اما این ظاهر امر است، هر واژه از پس دیگری به تامل و ناز کاروانی لیلی کش می‌آید و در میانه هر واژه‌ها هم برپاست. زبان موسیقی از فرط تندی گاه در میانه واژه می‌گدازد، ناگاه از این نخبه به نغمه بعد گذازها روان می‌شود، میان دو نغمه که پی هم می‌آیند ناگاه گذری سریع می‌آید انگار همه چیز در اثر سرعت در هم می‌پیچد و . . . موسیقی اش به آهنگی تکلم می‌کند اما جهانی پرشتاب در دل واژه‌های خویش دارد. چونان شدت، تندی تکلم نیز در چشم‌برهم‌زدنی تغییر می‌کند. ناگهان اوج می‌گیرد و فرو می‌نشیند و در این میان موسیقی چون سیالی جریان می‌یابد. تنیده؟ شونده اجرای پرسرعت موسیقی را به خاطر خواهد سپرد.

تک افتادگی ضربات، تک‌ها در عین پی آیندگی شان او را بی‌نیاز از حضور مداوم و چسبناک ریزها می‌سازد. تمام جملات از ریزها پوشیده نشده‌اند. زمانی که هر دو مضراب چون بال‌های نغمه به کمترین اشاره یکی پس از دیگری به کمال قدرت فرود می‌آیند، چیدمان راست‌ها و چپ‌ها نوایی روان چون چشمه پدید می‌آورد. همه چیز برای موسیقی تندرونده و سریع گوی همپا است، ریزها جایگاه انحصاری درآمیختن صداها را که بر سنتور به غایت شدنی است، داشته باشد. ناگاه جلوی رویت چون انفجاری از گل سرخ می‌شکفد. آن پاره آواز میان پیش درآمد و چهارمضراب را در بر آستان جانان به خاطر آور.

سکوت‌هایش مرگ صدای پیش از خویش نیستند، بال زدن صداهاست در دل یکدیگر، هر واژه انعکاسی از صدای خویش را بر واژه دیگر می‌نهد. او تداوم صدای سنتور را به خوبی برای افزودن به طول عمر واژه‌هایش به کار می‌برد، واژه‌ها را به طمانینه و تاملی شایسته بر زبان مضراب جاری می‌سازد، هر واژه به درواژه‌یی از واژه پیشین پاسخ داده است. اما این ظاهر امر است، هر واژه از پس دیگری به تامل و ناز کاروانی لیلی کش می‌آید و در میانه هر واژه‌ها هم برپاست. زبان موسیقی از فرط تندی گاه در میانه واژه می‌گدازد، ناگاه از این نخبه به نغمه بعد گذازها روان می‌شود، میان دو نغمه که پی هم می‌آیند ناگاه گذری سریع می‌آید انگار همه چیز در اثر سرعت در هم می‌پیچد و . . . موسیقی اش به آهنگی تکلم می‌کند اما جهانی پرشتاب در دل واژه‌های خویش دارد. چونان شدت، تندی تکلم نیز در چشم‌برهم‌زدنی تغییر می‌کند. ناگهان اوج می‌گیرد و فرو می‌نشیند و در این میان موسیقی چون سیالی جریان می‌یابد. تنیده؟ شونده اجرای پرسرعت موسیقی را به خاطر خواهد سپرد.

به احترام پرویز مشکاتیان

ژاله خون شد

احمد مسجدجامعی

صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن
دور فلک درنگ ندارد شتاب کن
زان پیش‌تر که عالم فانی شود خراب
ما را ز جام باده گلگون خراب کن

سال ۱۳۸۵ بزرگداشتی برای مرحوم پرویز مشکاتیان به همت آقای عسگرپور و همکارانش در سازمان فرهنگی هنری شهرداری برگزار شد که خیلی از اصحاب هنر در آن حضور داشتند. من هم به خاطر احترامی که برای مشکاتیان قائل بودم و به خاطر جایگاهی که در موسیقی ایران دارد، در آن مراسم حضور پیدا کردم. قصد سخنرانی هم نداشتم، اما دوستان که دعوت کردند برای سخن گفتن، به‌رغم اینکه آمادگی نداشتم فرصت را برای تجلیل از مشکاتیان و گفتن نکاتی درباره شخصیت و هنر او غنیمت شمردم.

سخن را با شعری آغاز کردم که خواندید و سپس به انتخاب «دستان» به عنوان بهترین نوار موسیقی ۲۰ سال پس از انقلاب اشاره کردم. به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی در اواخر دهه ۷۰ کمیته‌یی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مامور شد که بهترین آثار موسیقایی عرضه شده در دو دهه را انتخاب و معرفی کند. در بین آثار موسیقایی نوار «دستان» از جانب هیات داوران که بعضی از آن بزرگواران در این جلسه هم حضور دارند، اثر برتر شناخته شد. شعری را که در ابتدای صحبتم خواندم بخشی از این اثر است. همچنان که می‌دانید این اثر با صدای استاد محمدرضا شجریان اجرا شده است. درونمایه‌یی که این اثر را برتر ساخته، توانایی و مهارت خواننده، ذوق و سلیقه بالای آهنگساز و تلفیق مناسب شعر و موسیقی و تدارک یک گروه بزرگ موسیقی است. استاد مشکاتیان یکی از هنرمندان مهمی بود که برای تحکیم بار گروه بزرگ موشیقی در حوزه موسیقی ایرانی را تشکیل داد و در آهنگسازی و تصنیف‌سازی نغمه‌های متفاوتی عرضه کرد که وقتی آثار این دوره را با آثار گذشتگان مقایسه می‌کنیم متوجه نتایج این نوآوری و اثرات آن می‌شویم.

ما درباره انواع موسیقی در حوزه موسیقی تغزلی و عرفانی تجربه طولانی داریم، اما در دوره مشروطیت گونه‌یی موسیقی با رنگ و بویی تازه به ظرفیت‌های قبلی اضافه شد که می‌توانیم آن را موسیقی اجتماعی بخوانیم. تصنیف؟ از خون جوانان وطن لاله دمیده؟ و ادل هوس لاله و صحرا ندارد؟ که اولی به مناسبت پیروزی انقلاب مشروطیت و دومی پس از کودتای لیاخوف روسی در تهران توسط عارف قزوینی سروده شد، آهنگسازی و در تالار کنسرت گرانمقدار خوانده شد، از آثار ماندگار آن دوره در موسیقی ماست. سال‌های اوایل دهه ۵۰ گروهی از هنرمندان موسیقی به ارائه سبک‌های موسیقی اصیل ایرانی با تعهد اجتماعی اقدام کردند که ادامه همین فعالیت‌ها در سال‌های پس از انقلاب به اوج خود رسید و آن تجربه‌یی برای به کارگیری موسیقی در ایفای نقش انقلابی و اجتماعی بود. موسیقی انقلابی با معترض‌ها بر هنر عنوان دیگری از این دست تا پیش از این دوره یک نوع موسیقی برگرفته از خیزش کشورهای امریکای لاتین به‌ویژه شیلی و موسیقی ضدکودتایی یونان بود.

یک نوع موسیقی ترس و هراس و نام ویکتور خارا و تئودوراکیس سازنده آهنگ فیلم معروف «زد» در همه محافل هنری شنیده می‌شد. مشکاتیان و همکاران و همراهان او و گروه‌های مهم «عارف»، «شیدا» و سرانجام «چاووش» توانستند سرودها و آهنگ‌هایی عرضه کنند که علاوه بر دارا بودن ویژگی اجتماعی و ظلم‌ستیزی و همراهی با مردم ریشه در موسیقی ملی و بومی این سرزمین و شعر و ترانه ایرانی و بار مهین دومنتاه داشت و دارای ویژگی‌های امیدآفرینی و انگیزاننده و انسانی بود و هم‌نفس با مردم شور و نشاط می‌آفرید. هنرمندانی که در این گروه‌ها گردآمده بودند، بخشی از دیناریون قطعه‌ها را درباره شهید و شهدا ساختند. قطعه کاروان که به سرو شهید جوان معروف شد و قطعه کجایید ای شهیدان خدایی از ساخته‌های هنرمندان دیگر در این گروه‌هاست.
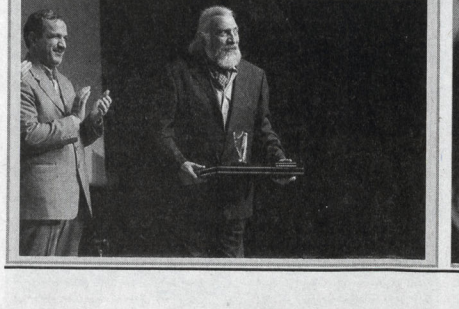
این جریان به‌ویژه پس از حرکت سرکوبگرانه نظام سلطنت در شهریور ۵۷ شکل جدی‌تری یافت و با ارائه سرود ؟ژاله خون شد؟ ظاهری جدید آفرید. مشکاتیان همچنین با ساختن ؟رزم مشرک؟ که به همراه شو عزیز شهرت پیدا کرده است، در زمینه موسیقی حماسی و انقلابی درخشید. مشکاتیان این سنت را در قالب گروه‌نوازی و ارکستره‌ای بزرگ به حداکثر ظرفیت خود رساند. آن جمع جوانی که با این تجربه اجتماعی و هنری شروع به این کار کردند پس از گذراندن تجربه‌های پرفراز و نشیب هر کدام به سرمایه‌یی بی‌بدیل برای موسیقی ایرانی تبدیل شدند. بدون شک استاد پرویز مشکاتیان یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های سه دهه اخیر موسیقی ایرانی در حوزه آهنگسازی است. خواسته و ناخواسته نام، یاد و خاطره ملت را در قالب گروه‌نوازی و ارکستره‌ای بزرگ به حداکثر ظرفیت خود رساند. آن جمع جوانی که با این تجربه اجتماعی و هنری شروع به این کار کردند پس از گذراندن تجربه‌های پرفراز و نشیب هر کدام به سرمایه‌یی بی‌بدیل برای موسیقی ایرانی تبدیل شدند. بدون شک استاد پرویز مشکاتیان یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های سه دهه اخیر موسیقی ایرانی در حوزه آهنگسازی است. خواسته و ناخواسته نام، یاد و خاطره ملت را در قالب گروه‌نوازی و ارکستره‌ای بزرگ به حداکثر ظرفیت خود رساند. آن جمع جوانی که با این تجربه اجتماعی و هنری شروع به این کار کردند پس از گذراندن تجربه‌های پرفراز و نشیب هر کدام به سرمایه‌یی بی‌بدیل برای موسیقی ایرانی تبدیل شدند. بدون شک استاد پرویز مشکاتیان یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های سه دهه اخیر موسیقی ایرانی در حوزه